

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته از : نعیم سلیمی - کابل / افغانستان
۲۸ مارچ ۲۰۱۹



توهین به شاه شجاع درانی!



باری "اشرف غنی احمدزی" رئیس جمهوری افغانستان به ادامه بیانیه های پاپولستی خویش به مثابه یک پاپولیست بی استعداد در اشاره به روند صلح با طالبان لاف زنان گفت که "اگر کسی فکر می کند میتواند من را مجاب کند که یک معاهده گندمک دیگر را امضاء کنم در اشتباه است" (باشگاه خبرنگاران جوان ۱۲ بهمن / دلو ۱۳۹۷)؛ او همچنان در ادامه سخنانش ادعای بلند دیگری را سر داده، یاد آور شد که "نه شاه شجاع می خواهیم، نه امیر محمد یقوب خان که معاهده گندمک را امضاء کرد. غازی امان الله خان می خواهیم، احمد شاه بابا می خواهیم، میرویس نیکه می خواهیم، محمود غزنوی می خواهیم".؛ او با اظهار چنین حرف هائی خواست تلویحاً با شیوه محافظه کارانه و جیون پل پای "حامد کرزی" را مبنی بر عدم امضای معاهده ستراتیژیک افغانستان با امریکا دنبال نماید که جز یک هذیان گوئی بیش نیست. شاید هم به گمان اغلب همین گونه اظهارات سبکسرانه از جانب غنی بوده باشد که به قول آقای "حمید ارجمند"

نویسنده روزنامه ۸ صبح " سفر حمدالله محب مشاور امنیتی رئیس جمهور به امریکا به طور فاجعه باری به پایان رسید ؛ به عباره بهتر ما شاهد " انتحار دیپلوماتیک " یکی از مهره های کلیدی تیم ارگ بودیم " (آقای محب ، وقت رفتن است ! ، هشت صبح ، یکشنبه ۲۶ حوت ۱۳۹۷) .



قصه کوتاه آنچه را که آقای حمید ارجمند برای ما بازگو می نماید عبارت است از داستان تصادم و برخورد جناب محب با آقای خلیل زاد نماینده خاص وزارت خارجه امریکا برای افغانستان و در قیاس گرفتن وی با وایسرای هند بریتانوی و همچنان ادعای این که وی در جست و جوی منفعت شخصی بوده و می خواهد در رأس حکومت موقت در آینده قرار گیرد ، می باشد ؛ ولی آنچه را که به صورت قطعی جناب ارجمند در تحلیل خود نادیده می گیرد این است که سناریوی این داستان صرفاً بالای از دست دادن حب آقای محب و اشرف غنی از دل امریکا سخن می گوید که در این معادله سیاسی ما شاید شاهد معکوس این قضیه در آینده باشیم . به عبارت دیگر مهندسی چنین دیپلوماسی از جانب واشنگتن ممکن است برای اغوای افکار عامه، شرکای نیابتی مشترک طالبانی و دولت پوشالی افغانستان، دیزاین گردیده باشد ؛ زیرا درین روز ها ما شاهد جریان کمپاین انتخاباتی ۲۰۲۰ برای تصاحب کرسی ریاست جمهوری میان رقبای دموکرات و جمهوری خواه در ایالات متحده امریکا هستیم و با در نظر داشت تیوری های دسیسه نی از کجا می دانیم که این مهندسی به طور زیرکانه از جانب حلقهات مربوط به دموکراتها در کابل و واشنگتن برای ترسیم و زشت جلوه دادن سیاست داخلی و دیپلوماسی نامطلوب در سیاست خارجی دونالد ترمپ رئیس جمهوری امریکا و سایر مشمولین تکت انتخاباتی جمهوری خواهان ، طراحی شود . دلایل عقلی و نقلی موجود در زمینه الی همین حالا تا حدی ما را در استنباط چنین پیشبینی کمک می نماید:

*- با این هم ارگ ریاست جمهوری در مورد گفته های حمدالله محب اظهار نظر نمی کند . شاه حسین مرتضوی ، معاون سخنگوی ریاست جمهوری می گوید که درین مورد ، سخنگوی شورای امنیت ملی ابراز نظر کند . در کنار این طارق آرین ، سخنگوی شورای امنیت ملی کشور نیز به صورت " رسمی " درین رابطه دیروز شنبه چیزی نگفت " . (ارگ در باره اظهارات محب چیزی نمی گوید ، حسین حیدری ، یکشنبه ۲۶ حوت ۱۳۹۷) ؛

* - جناب سرور دانش ، معاون دوم ریاست جمهوری برای به اصطلاح رفع سوء تفاهم ایجاد شده در زمینه روز شنبه ، ۲۵ حوت ، در دیداری با معاون سفیر امریکا در کابل بالای روابط ستراتیژیک دولت های افغانستان و امریکا تأکید نمود . او در این ملاقات مذاکرات بین الافغانی طالبان با دولت را اولویت اصلی روند مذاکرات صلح خواند . نامبرده درین دیدار صرفاً از "اطلاع رسانی شفاف " برای مردم افغانستان در قضایای جنگ و صلح افغانستان یاد آوری نمود ؛ * - ظاهر شدن حمدالله محب در سفر های خارجی در پهلوی رئیس جمهور و اجلاس های رسمی ارگ ریاست جمهوری به مناسبت های مختلف که نیازی به توضیح و تشریح ندارد ؛

طوری که در همه موارد فوق مشاهده می نمائیم ؛ هم سخنگویان ریاست جمهوری ، شورای امنیت وبه همینگونه معاون رئیس جمهور به طور سرسری از موضوع حاشیه رفته و به قول معروف خود را به کوچه حسن چپ زدند که صرفاً از یک دیپلوماسی خاموش و جبون در زمینه نمایندگی می کند .

از شاه شجاع درانی یاد نمودیم ؛ این قلم باری به تاریخ ۸ اکتوبر 2017 برابر با ۱۶ میزان ۱۳۹۶ مضمونی را زیر عنوان "تفاوت میان شاه شجاع ساده لوح فرنگی و شاه شجاع های امریکائی محیل" در صفحه فیسبوکی خود به نشر رسانیدیم و در آن مطلبی را از اثر واقعاً ماندگار تاریخی غبار در رابطه به شاه شجاع درانی به شرح ذیل تذکار دادم : "شاه شجاع باری به میکناتن یاد آوری نمود که افغانستان مأمون است و من پادشاهم ، لهذا ضرورت به اقامت قشون انگلیس در کشور دیده نمی شود . میکناتن جواب داد که تا خطر امیر دوست محمد خان باقیست ، موجودیت قشون انگلیس در افغانستان حتمی است " ... (جلد اول " افغانستان در مسیر تاریخ " ، ص ۵۳۵) ؛ وحتى باری به شیوه غیر مستقیم غبار مطلب دیگری را که قسماً و شاید از احساس ملی شاه شجاع که هنوز در وجودش نمرده بود، چنین تذکره نویسی می نماید : " در اکتوبر ۱۸۴۱ اعلانات زیادی به دست آمد که به امضای شاه شجاع مردم به قیام به ضد انگلیس دعوت شده بودند ... شاه شجاع به میکناتن پیشنهاد کرد که با انقلابیون مصالحه کند و رهبران شان معاف شمرده شود ... انگلیس ها که از قیام مردم مشوش شدند ، خواستند در بالاحصار پناه ببرند ، مگر شاه شجاع نپذیرفت و گفت که میکناتن را هم در بالاحصار قبول کرده نمی توانم و هم تعمیر بزرگی را به نام ترمیم ویران کرد ... در نومیر شاه پیشنهاد صلح به مجاهدین نمود ... بالاخره به لارڈ اکلند نوشت که شجاع به ما خیانت می کند، باید دوست محمد خان به کابل رجعت داده شود " (باز هم همانجا ، ص ۵۳۵) .

حال قضاوت به دست شماست با مد نظر داشت همه آنچه در بالا گفته آمد اظهارات اشرف غنی احمدزی در مورد شاه شجاع درانی با شناخت تمام و عیاری که مردم افغانستان از وی و پیشینیانیش دارند ، مگر توهین به جایگاه و موقف شاه شجاع درانی در برگه های تاریخ کشور ما نیست ؟

افزون بر غلام محمد غبار و سایر مؤرخین کشور ، یکن از نویسندگان مؤرخ انگلیس به نام "ویلیام دال ریمپل" که پدران وی در جنگ های افغان و انگلیس اشتراک داشته اند زیر عنوان " برگشت شاه شجاع " در سال ۲۰۱۳ به رشته تحریر درآورده که حاوی ۵۰۰ صفحه می باشد که در اختتام و نتیجه گیری این جستار قسمتی از پیش نویس مشخصات این اثر را عیناً نقل می کنم که امید نسل های امروز و آینده ما از آن درس عبرت بگیرند : " موضوعی که در این کتاب جلب توجه می کند اینست که ، در آنزمان و همچنان امروز ، از جغرافیای سیاسی به نفع ستراتیژیهای کوتاه مدت سوء استفاده می شود ، راهکاری که سخت منجر به شکست شده است . امروز نیز مانند ۱۷۰ سال پیش بخوبی دیده می شود که سیاست گذاران با چه بی تفاوتی و نا آگاهی با قضایای افغانستان برخورد می کنند ... نویسنده کتاب " برگشت شاه " به این باور است که میدان های جنگ آنزمان و امروزه تغییر نکرده بلکه تنها ایدئولوژی ها و بیرق ها فرق کرده اند .

در عین حال ، امروزه هم پایگاه های نظامی در همان محلاتی قرار دارد که در سابق تحت تصرف نیرو های خارجی

بود . " ... پایان

دیدگاه شما....

یکشنبه ، ۶ حمل ۱۳۹۸